

عقاب تیزبین سینمای ایران هم پر کشید

ماشاءالله پور پرویز



بخشید. تارا وقتی از بیلاق بازمی‌گردد، هم‌چون گردآفرید مانور می‌دهد و خود را از همه طلبکار می‌داند؛ اگرچه آن قدر دل‌رحم و مهربان است که از ماترک پدرش چیزی جز یک شمشیر تاریخی برنمی‌دارد. تارا این میراث تاریخی را از آن برمی‌دارد که هیچ مردی زیر بار این میراث تاریخی نمی‌رود. بیضایی در حالی «باشو، غریبه‌ای کوچک» را می‌سازد که مردم از فیلم‌های جنگی سفارشی خسته‌اند و تمایلی به دیدن آن‌ها ندارند؛ اما بیضایی مردم را با سینمای جنگ آشتی می‌دهد و اثری خلق می‌کند که مردم آن را می‌پذیرند و واقعیت جنگ را با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند. بیضایی در این فیلم، میلی‌متر به میلی‌متر اثر را مینیاتوری رقم می‌زند و کنتراست فیلم را چنان بالا می‌برد که مخاطب حتی ثانیه‌ای از آن جدا نمی‌شود.

او به‌سوت، آتش و جنگ جنوب را در مقابل آرامش و سرسبزی شمال می‌گذارد؛ جنگ و خون‌ریزی و ویرانی ناشی از بمباران جنوب را در برابر کار و زندگی و زمین‌های آباد و شالیزارهای حاصل‌خیز شمال قرار می‌دهد. بازی‌ای که بیضایی از «باشو» و «نایی»، با بازی سوسن تسلیمی خلق می‌کند، به‌جرت می‌توان گفت حاصل خلاقیت و هنر اوست.

بیضایی پیش از انقلاب عضو مؤثر کانون نویسندگان ایران بود و از سال ۵۷ از این کانون کنار می‌رود. در سال ۵۸، پس از سال‌ها دوری از تئاتر، «مرگ یزدگرد» را روی صحنه می‌برد و سرانجام در سال ۱۳۶۰ کرسی استادی دانشگاه تهران را از او می‌گیرند.

بیضایی بیش از هفتاد کتاب برایمانده است. او برای هنر تعزیه ارزش زیادی قائل بود و اعتقاد داشت گذشتگان ما برای حفظ و ماندگاری آثار خود، آن‌ها را درون همین آیین‌ها پنهان کرده‌اند.

هرچند بعید می‌دانم در حوزه‌ی سینما بار دیگر چون بیضایی پا به عرصه‌ی وجود بگذارم، اما اعتقاد دارم یاد و خاطره‌ی بیضایی هرگز از دل‌ها نخواهد رفت.

«پل پیوند؛ پروژه‌ای بی‌توجیه و خیانت به اولویت‌های شهری»

جعفر ساکی

در شرایطی که خرم‌آباد هر روز زیر بار مشکلات زیرساختی، ترافیک فلج‌کننده و کمبود امکانات شهری نفس می‌کشد، خبر احداث «پل پیوند» می‌ماند دریاچه کیو و تپه شهدا با هزینه‌ای سرسام‌آور در فضاهای مجازی و رسانه‌های خبری چیزی جز بی‌توجهی آشکار به نیازهای واقعی و اساسی مردم نیست.

این پروژه نه تنها ضرورتی ندارد، بلکه به‌روشنی نشان می‌دهد مدیریت شهری از اولویت‌ها فاصله‌گرفته و به جای حل بحران‌های روزمره، به دنبال طرح‌های نمایشی و پرهزینه است. پرسش اساسی این‌جاست چرا پل پیوند بین سرچشمه کیو و تپه شهدا یک خطای بزرگ است؟ زیرا تپه‌ی شهدا هم‌اکنون دو مسیر دسترسی دارد که قبلاً با هزینه و بودجه‌ی همین مردم شهر احداث شده‌است و پل جدید تنها یک نمایش پرخرج است.

هزینه‌های کمرشکن در شرایط اقتصادی سخت، صرف بودجه‌های هنگفت برای چنین پروژه‌ای، بی‌رحمی در حق مردم است. چراکه خیابان‌های شهر

«فصل سرما در راه است مراقب کنتورهای آب باشید»



با توجه به کاهش دما و سردی هوا برای جلوگیری از یخ زدگی کنتور و قطع آب ملک خود، با استفاده از وسایلی هم‌چون پشم شیشه، پتو، پلاستیک و کیسه‌ی خاک اِره یا پوشال آن را پوشش داده و گرم نگه دارید.

برای جلوگیری از ترک‌یدگی کنتورهای آب در صورت یخ‌زدگی از ریختن آب جوش بر روی آن‌ها به‌منظور بر طرف نمودن یخ‌زدگی جدا خودداری نمایید و با گرم نمودن آن از طریق پوشش‌های مناسب، دشوار و یا بخار شو یخ زدگی را بر طرف نمایید.
هم‌چنین هنگام رفتن به مسافرت و ترک منزل برای مدت طولانی حتما شیر فلکه بعد از کنتور آب را ببندید.
در صورت یخ‌زدگی یا ترک‌یدگی کنتور، هزینه‌ی کنتور به عهده مشترک است.

اعلام حوادث آب و فاضلاب با سامانه‌ی تلفنی ۱۲۲

ماجرای همان‌جا شروع شد که تصمیم گرفتند نبض تجارت خارجی یک کشور را بدهند دست یک «مشاور»؛ هم در دولت قبل، هم در دولت فعلی. نه تاجر بود، نه متخصص و نه سابقه‌ای در واردات و صادرات داشت. از دنیای دیگری آمده بود، اما کلید ثبت سفارش، مجوز واردات، تعیین سقف صادرات و عملاً رزق روزمره تولیدکننده‌ها را سپردند به او.

گفتند «می‌فهمد»، گفتند «مابین است»، گفتند «هماهنگ می‌کند». معمولاً همین چند جمله برای حذف عقل جمعی کافی است. دو سال تمام، دل‌سوزان،

پاسخ گویی گمشده

دکتر حسین سلاح‌ورزی



کارشناسان و اهل بازار داد زدند؛ نه از سر منفعت، از سر تجربه. گفتند این تمرکز اختیار گره می‌سازد. گفتیم

بگیرد، قفل بزند، برود و هیچ‌کس هم نپرسد چرا. نه گزارش، نه پاسخ‌گویی‌ای، نه بازخواست. همین‌جاست که امید، آرام و بی‌سروصدا جمع می‌شود و می‌رود. کشوری که در آن اختیار هست اما مسئولیت نه، اصلاح نمی‌شود؛ فقط هر بار با چهره‌ای تازه، همان خطا را تکرار می‌کند.

فرهنگ مردم

رازهای سرزمین مادری

(ادامه‌ی خوانش تک‌بیت‌های لکی/ بخش پانزدهم

دکتر حسین اکبری‌نسب

می‌وزد» و در وزین پی‌اپی‌اش گویی یک صحنه را مدام تکرار می‌کند و تصویر متحرک هم‌گویی حاصل مونتاژ بی پایان یک فریم است؛ تصویر لحظه‌ی وزش باد در لابلای شاخ و برگ‌های این درخت خاص؛ در این موقعیت نامتغین؛ آسوا!

درختی که معناهای عمیقی را در وجه استعاری نمایندگی می‌کند. درخت آسو به دلیل موقعیت خاصش و تحمل طولانی در برابر وزش مداوم بادها نماد استقامت است و پایداری در برابر ناملایمات مکرراً

تک درخت بودنش هم اصرار بر یگانگی و خاص بودن دارد و نشان غیبت بسیاریانی ست که در ناملایمات روزگار گم شده‌اند و ردی از آن‌ها برجای نیست و غیاب آن‌هاست که این فضای فروکاسته‌ی مینی‌مال را برسانده است. فضایی که گویی برای شاعر و مخاطب سراسر به تمنای دوام دارآسو بدل شده‌است!

بدروم باد تک درخت‌های به جای مانده در مسیر طوفان‌ها که جایی دیگر آن‌ها را به استخوان‌های زمین تشبیه کرده‌ام؛

پابرجا بر باد

پابرجا در باران

تک‌درخت باش

تک‌درخت گردن کش گرنده‌ها

تک‌درخت‌ها

استخوان‌های زمین‌اندا

« این تک‌بیت به اشکال دیگری هم روایت شده است؛ برای نمونه: «یکله دارن یکله‌شم پمانو چوی دار آسو هر واش بشانو»

«پوزش و اصلاح: در شماره‌ی پیشین(۸/۵) عنوان فرعی (عاشقانه‌ای زیبا» بود که اشتباهاً «قتل‌گاه نورا» قید شده بود. بدین‌روی از نویسنده‌ی ارجمند و خوانندگان گرامی پوزش می‌خواهیم. / سیمیره

یکله خاصه یکله پمانو

چوی دار آسو هر واش بشانو*

Yakela xāsa yakela bemānu
čō dāre āsu har vāš bešānu

سخن از یگانه هاست؛ «یکله» در زبان لکی به معنای تک فرزند است. اما در این‌جا علاوه بر تک فرزندی، خاص بودگی و یگانه بودن هم از آن مراد می‌شود. یگانه‌ای که گویی در واقعیت وجود ندارد و کل شعر با کلمات اندکش تصویر تمنای وجود اوست؛ یگانه‌ای که برای تمام دوران‌ها باقی بماند؛ نه وزش باد شدید گرنده‌ها به او گزندی برساند نه طوفان دوران قامت برافراشته‌اش را خم کند.

در مصرع دوم، قاب تصویر نمای متوسط گرنده‌ی تپه‌ای بلند را نشان می‌دهد با تک درختی که وزش باد مداوم آن را می‌چیناند و به رقصی سرفرازانه وادار می‌کند.

تصویری ازلی و ابدی که با عبارت بسیار مختصر «هر» به معنای ملاومت و زمان بی‌آغاز و انجام تولید شده است؛ شاعرانگی باقی کلمات و فضای بی‌کران شعر از دل همین قید دو حرفی بیرون می‌آید و این اعجاز شعر است!

عبارت دو حرفی «هر» عظمتی خاص را برمی‌سازد و فضایی می‌آفریند که در آن، باد تمام دوران‌ها در حال وزش است. باز می‌گردیم به قاب تصویر:

تصویری مینی‌مال با مختصر عناصری که شامل یک درخت است که بر نقطه‌ی خاصی از فضا

روییبد و بایلبد است و به همین خاطر «دار آسو» نام‌گذاری شده‌است؛ «دار» به معنای درخت است و

«آسو» نقطه‌ای از بال تپه که پایان شیب صعودی و نرسیده به خط نزولی تپه است؛ نقطه‌ای که نه به شیب صعودی تعلق دارد و نه شیب نزولی و عملاً از نظر مکانی گویی نه متعلق به این است نه آن و از این نظر «نامکان‌مند» است. آسو مکان نامتغین است و نامتغینی باعث گسترش فضای آن می‌شود و گویی زمینه را برای بی‌کرانگی «هر» که پیش‌تر به آن اشاره شد فراهم می‌کند. بادی که «هر

مرمت و بازسازی مادر پل‌های تاریخی ایران در لرستان آغاز شد



مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی لرستان گفت: عملیات اجرایی مرمت و بازسازی پل تاریخی «کشکان» مشهور به مادر پل‌های تاریخی ایران، در شهرستان چگنی آغاز شد.

عطا حسن‌پور اظهار کرد: مرمت بخشی از ناحیه

غربی پل تاریخی کشکان با اعتباری حدود یک

میلیارد تومان آغاز شده و این عملیات با استفاده

از ملات و شیوه‌های منطبق با ساختار تاریخی پل در حال انجام است.

وی با اشاره به آسیب‌های وارد شده به این پل در جریان سیل سال ۱۳۹۸ افزود: برای نخستین بار طرح مطالعه پایه قطع‌شده پل کشکان با اعتبار یک میلیارد تومان در دست اقدام است که نقش مهمی در برنامه‌ریزی اصولی برای حفاظت و بازسازی این اثر تاریخی دارد.

وی افزود: اسمال در قالب اعتبارات سال ۱۴۰۳، مرمت پایه‌های میانی پل که ارتباط مستقیمی با جریان آب دارند انجام شده است و یکی از اقدامات مهم حفاظتی برای نگهداری این پل سترگ

تاریخی به شمار می‌رود.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی لرستان ادامه داد: در سایر بخش‌های پل از جمله طاق و پایه‌های میانی نیز مرمت‌های

اصولی و فنی اجرا شده و تمامی این اقدامات بر اساس ضوابط و چارچوب‌های بین‌المللی مرمت

آثار تاریخی از جمله منشور آتن و منشور ونیز

مستند «دایه‌دایه» جلوی دوربین می‌رود

فیلم مستند «دایه‌دایه» با محوریت یکی از ماندگارترین سروده‌های تاریخی ایران، وارد مرحله‌ی تولید شد.

به گزارش آوای سیمره، فیلم مستند «دایه‌دایه» بر اساس پژوهش‌های متفن تاریخی، به نویسندگی و کارگردانی سیدمحمد سیف‌زاده و با فیلم‌برداری و صدابرداری مجتبی امیری جلوی دوربین می‌رود.

این مستند برای نخستین‌بار به بررسی چگونگی خلق این سروده ماندگار در دوران قاجار، سیر تحول و تغییر آن تا امروز و نقش تأثیرگذارش در ایجاد روحیه‌ی هم‌دلی و حسامه در طول قرن گذشته می‌پردازد؛ روایتی که از دیدگاه‌های مختلف



در حالی که این سرزمین بزرگ متعلق به همه‌ی مردم است، تنها با شایسته‌سالاری، مدیریت کارآمد، و تصمیم‌گیری‌های علمی و عملی می‌توان آن را از این بن‌بست‌های گسترده نجات داد.

وقتی کیفیت مواد غذایی کاهش می‌یابد، سلامت جسم و ذهن کودکان آسیب می‌بیند؛ بسیاری از آنان به دلیل کمبود تغذیه‌ی مناسب، در یادگیری و تمرکز دچار مشکل می‌شوند.

هم‌چنین کم‌خونی در میان زنان و دختران، و ضعف عمومی در سلامت دهان و بدن، از پیامدهای مستقیم فقر تغذیه‌ای است.

اگرچه طرح این مسائل بدیهی به‌نظر می‌رسد، اما چون اکنون به پدیده‌ای فراگیر و عمومی تبدیل شده‌اند، باید با نگاهی جدی به عنوان معضلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی مورد تحلیل و سیاست‌گذاری قرار گیرند.

فقر مالی تنها یک مسئله‌ی اقتصادی نیست؛ تأثیرات آن بر روان، رفتار، و روابط اجتماعی نیز مشهود است. بسیاری از خست‌وشته‌ها، پرخاش‌گری‌ها و ناهنجاری‌ها، ریشه در همین ناترازی‌ها و بی‌عدالتی اقتصادی دارد.

امید است مسئولان کشور ایران با تصمیماتی خردمندانه و اقداماتی عملی بتوانند گامی مؤثر در کاهش مشکلات و رنج‌های مردم بردارند.

avayeseymare.ir
www.seymare.com

avayeseymare.ir
www.seymare.com

«صبح کاذبی» که «صادق» نشد!

احمد میری



جمعه ۵ دی‌ماه ۱۴۰۴ به مناسبت سالروز زلزله‌ی بم.

۲۲ سال پیش نیز هم‌چو امروز «جمعه» بود. «کویرنشینان» که نماد رنج «هبوط آدم» در «کویر

زمین»‌اند، خسته از یک هفته «کار و کوشش» سر بر «بالین آسایش» نهاده بودند تا روز پایان هفته را «بیاسایند» ولی نه «آسایشی» ابدی! اما گویی آن شب خدا اراده کرده بود که «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِی

کِبَدٍ» (۴- بلد) باورمان شود:

«همانا ما انسان را در رنج و سختی آفریدیم. آن شب هولناک، زمین که تا پیش از آن «گهواره‌ی خواب کویریان» بود، بر خود لرزید! با شدتی برابر با ۶/۶ درجه در مقیاس ریشتر! می‌گویند خدا خواست که آفرینش (۶۶) روزهاش را در آن گوشه‌ی «کویر»

یا این دو (۶۶ هم‌آغوش» به آنی فروریزند! (سِفِی سَبْهَ آیام، ۷ – اعراف).

این‌جا ز خوف خشم خدا در دل زمین/ دیوار خانه روی تو آوار می‌شود. ۱

عقربه‌های ساعتی بر دیوار نیمه‌ریخته‌ای روی عدد ۵:۲۶ هزار چرخش بارمانند، زمان متوقف شد! قلب

۷۰ هزار انسان دیگر تنبید! و در همان لحظه‌ای که «عقربه‌ی بلند قرمز» ترمز دستی‌اش را کشید!

«عقربه‌ی زندگی» نیز ایست قلبی کرد و از حرکت بازایستاد!

آن سحرگاه خوفناک همه چیز دروغین شد!! حنا حضرت حافظ!!

دوش وقت «سحر» از غصه نجاتم داند!!/ وندر آن ظلمت شب «آب حیاتم» داند!!

حافظا تو دیگر چرا؟!

نجات از غصه یا افتادن «یوسف شادی» در «چاه

غم»؟!/

آن واقعه «آب حیات» بود یا «زهرآب ممت»؟!

آری، آن شب ظلماتی به «سپیده‌ی صبح» نرسید، «روشنایی سحر» نیز دروغ بود! «صبح کاذب» در

درگرانی هم کمی احساس پیدا می‌شود

یک ترازو سهم حق الناس پیدای‌شود

زیرپای برگ زرد و خاروخاشاک و گیاه

دفتری از خاطرات یاس پیدا می‌شود

هرچه ما را در فشار اقتصادی له کنند

نان و خرمه، با کمی ریواس پیدا می‌شود

بر تن ما رخت دامادی اگر شد آرزو

سهم ما اندازه‌ای کرباس پیدا می‌شود



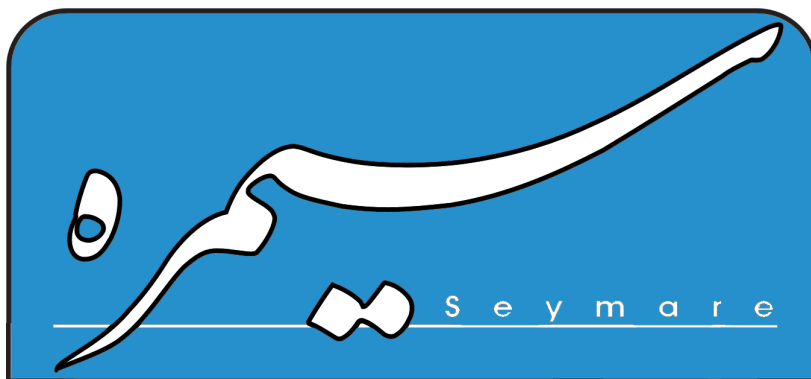
فرزندِ ایران

سلمان احمدوند

صفحه‌ی ۲

www.seymare.com

سال بیست و دوم ■ شماره‌ی ۸۰۶ ■ صفحه ۴ ■ شماره ۱۰۰۰۰ تومان



پاسخ‌گویی گمشده

دکتر حسین سلاح‌ورزی

صفحه‌ی ۴

دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴ ■ ۸ رجب ۱۴۴۷ ■ ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵ ■ گستره‌ی توزیع: منطقه‌ای (غرب ایران)



سرمقاله

سیمرغ در تبعید



الهام خوشنام‌وند

از دهلیزهای ابدی تاریخ این سرزمین، تاریکی هرگز بی‌پاسخ نمانده است. هر بار که قدرت، چهل یا مصلحت قصد به حاشیه‌بردن فرهنگ را داشته، نوری از دل همان تاریکی تابیده و چراغ‌وار سنگلاخ خمودگی و تیرگی را در وادی فرهنگ و هنر شکافته است. ایران در طول تاریخ نه با شمشیر، که با حافظه و فرهنگ خود زنده مانده است.

این بار، دست توانمند تقدیر از زهدان پاک مام وطن، کودک-مردی را برکشید که سینه‌اش ماوای سیمرغ کارگشا بود؛ بر فراز سرو کاشمر، آن گاه که هنوز تیغ عداوت و جهالت یاغیان به خاک نیفتاده بود.

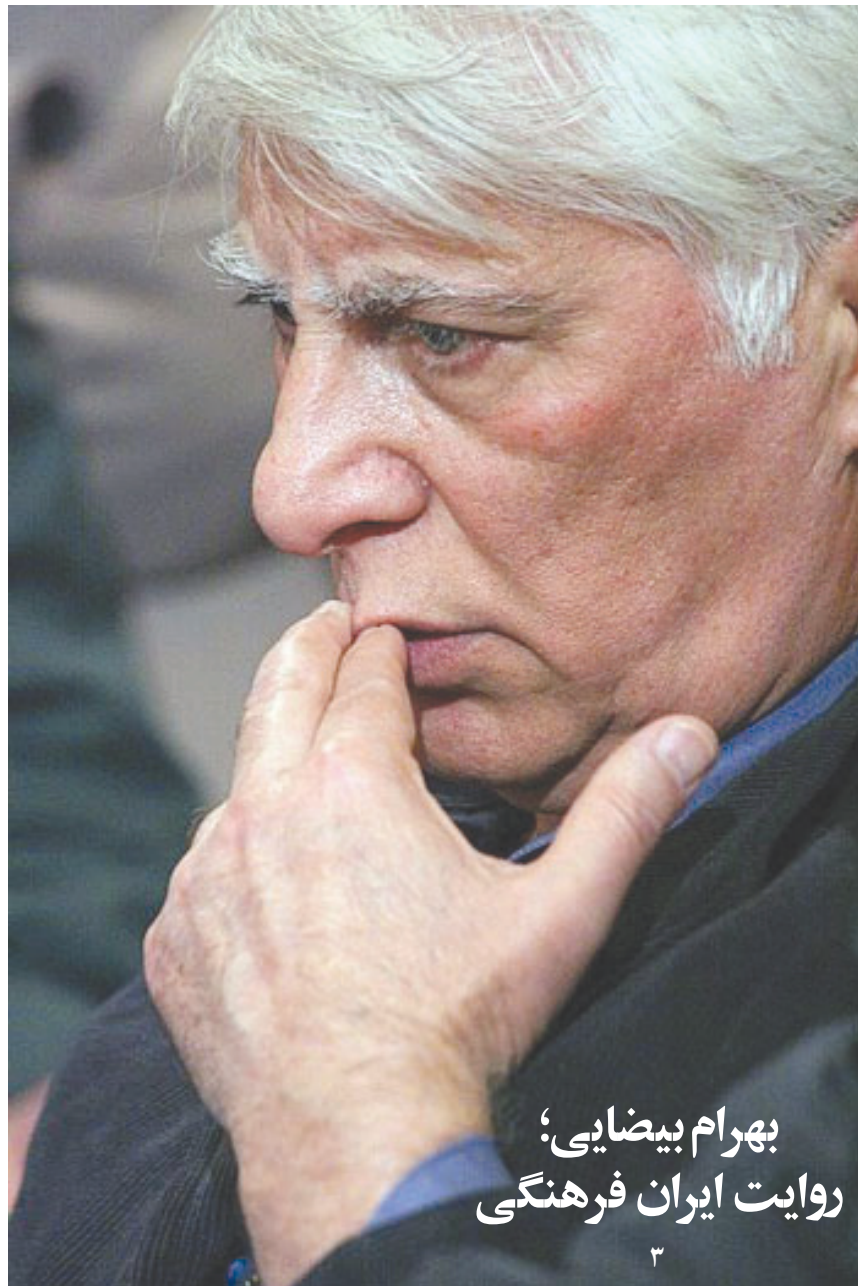
بر تنش شولای راویان مثل‌های هزارساله از کوچه‌های بلخ و توس تا ستون‌های بیستون نشسته بود و دستانش ذرات خاک خون‌آلود بی‌گناهی سیاوش، غیرت رادمان و تمام شهیدان شاهد را حمل می‌کرد. از زیانش، چکاچک شمشیر سپاه فرخ‌هرمز در سیاهی آوردگاه قادسیه می‌تراوید و بر تن تبعیدی‌اش، چکه‌های خون سرداران سربهدار، امتداد نگاه منتظر مادران بود.

روح او از ابتدای زایش، هم‌سفر آوارگی شاه و شاهد خیانت شاه‌کش خودی در آسیایی در مرو بود. با قلب توانمندش، پاسدار آتشی شد که قرن‌هاست قدرت، جهل و تحجر در کمین خاموش‌کردنش نشسته‌اند؛ غافل از آن که این آتش همیشه پاسبانانی از جنس بهرام داشته است.

چشم‌هایش، ابی روشن، ادامه‌ی رود مرو بود آن هنگام که تن شکوهمند شهریار را با خود برد، نجیب مثل ایران؛ و قلمش هرگز در خدمت منفعت به تملق نچرخید.

فردوسی زمانه، بی هیچ چشم‌داشتی، آن گاه که از زخم‌های وطن می‌گفت که چگونه دست‌های خون‌آلود خیانت ایران را به دامان پلید بردگی افکندند، هم‌زمان «تاتی» را آفرید.

ادامه در صفحه‌ی ۳



بهرام بیضایی؛ روایت ایران فرهنگی

۳

آمارهای رسمی با واقعیات میدانی
در لرستان تفاوت دارد؛

«اقتصاد

لاغر»،

«معیشت

بُخور نمیر!»

۳

مرمت و بازسازی مادر
پل‌های تاریخی ایران
در لرستان آغاز شد



۴

تجرب‌ها

خاموشی فرزانه‌ای که ایران را
از دل مردم شناخت

علی جودکی

۳

عقاب تیز بین سینمای ایران
هم پر کشید

ماشالله پور پرویز

۴

«صبح کاذبی» که «صادق» نشد!

احمد میری

۴

افزایش نرخ دلار و زنجیره‌ی
آسیب‌های اجتماعی

احمد لطفی

۴

رئیس سازمان جهاد کشاورزی لرستان:

بیش از ۶ هزار تن گوشت
مورغ در لرستان عرضه شد

۲

مستند «دایه‌دایه»
جلوی دوربین می‌رود

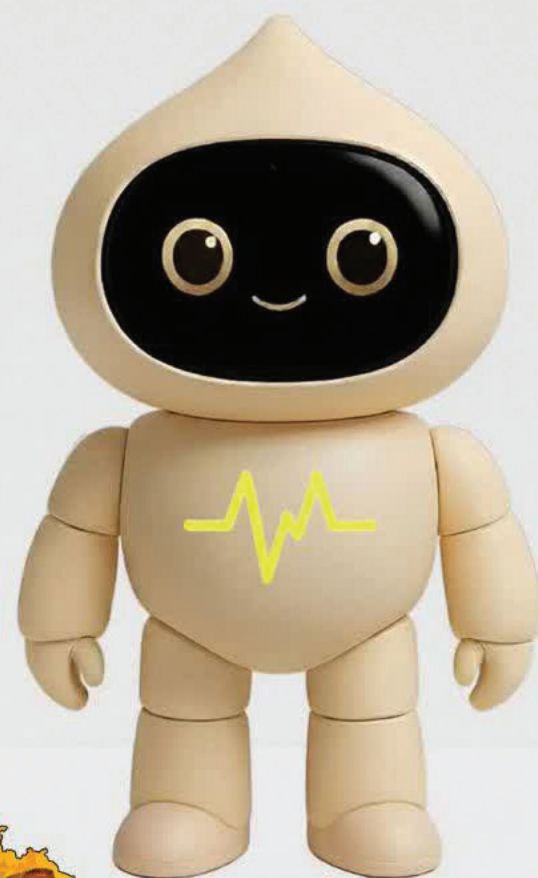
۴

طرح ملی «سبا»

(سفیران بینه‌سازی انرژی)

سرافراز بانی ایران...

چراغی خاموش کنید تا چراغی روشن شود



روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان لرستان

مراقب باشید



به منظور حفظ ایمنی، افراد غیر فنی از نصب وسایل گاز سوز خودداری کنند

روابط عمومی شرکت گاز استان لرستان

یادداشت

فرزندِ ایران



سلمان احمدوند

جهان‌نگری بهرام بیضایی (۵ دی ۱۳۱۷–۵ دی ۱۴۰۴) و زیست‌نامه‌ی پژوهشی‌اش بر سه بنیان استوار بود: کاوش در ادبیات با دید تاریخی، اسطوره‌شناسی و بینش عمیق اجتماعی که حاصل آن هنر متعهد به فرودستان و سرکوب‌شدگان و بی‌صدایان و نیز نقد رهایی‌بخش ساختارهای قدرت بود؛ بی‌آن‌که دچار ابتذال ایدئولوژیک و مرام‌پرستی حزبی شود. آن‌چه این سه را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد ایران‌دوستی یگانه‌ی بیضایی است. برای او هم‌چون دانشی‌مرد فروتن، احسان یارشاطر (۱۲۹۹–۱۲۹۷)، ایران در فرهنگ و زبان فارسی خانه داشت. ایران بیضایی نه یک کل یک‌دست و پیروزمند، بلکه میدان کشاکش فرهنگ‌ها و صداهای متکثر و آوردگاه شکست‌ها و درخودفروفتن‌ها و زایش‌های دوباره بود.

بیضایی چه در نمایش‌نامه و چه در سینما و پژوهش، زبان را نه ابزار روایت، که میدان کنش تاریخی می‌دانست: زبانی که حافظه را حمل می‌کند، علیه فراموشی می‌شورد و یک‌دست‌سازی را تاب نمی‌آورد. از همین رو، باپلایش زبان را باید جزو اجزای اصلی کارنامه‌ی کامیاب او دانست. او با بازآفرینی زبان‌های کهن و محلی، و با شکستن نحو مسلط، افق‌های تازه‌ای برای بیان تجربه‌های حنف‌شدن کشود؛ بی‌آن‌که در دام نوستالژی یا بازی‌های صوری فروغلند.

زندگی حرفه‌ای بیضایی با استقلال اخلاقی و فکری در نسبت با نهاد قدرت و بازار عجين بود. کارنامه‌ی پژوهشی او شاهد پایداری کم‌نظیر بر خودآیینی هنرمند است؛ ایستادن در فاصله‌ی سنجیده از دولت، سیاست، مدّ و ذائقه‌های تحمیلی. استقلال‌کی که رهاورد آن نه انزوا بلکه «مسئولیت» بود.

بیضایی تاریخ را از منظر قربانیان بازخوانی می‌کرد، اما داوری را به پیچیدگی اخلاقی می‌سپرد؛ قهرمانانش بی‌خطا نبودند و شرّ، چهره‌ای ساده نداشت.

در کانون این منظومه، «زن» نشسته است؛ نه به‌مثابه‌ی موضوعی عاطفی یا نمادی تربیتی، بلکه به‌عنوان سوژه‌ی تاریخ، حافظه‌ی زنده و نیروی بازسازنده‌ی معنا. زن در جهان بیضایی تالاقی‌گاه ستم‌های اناشته و امکان‌های رهایی است: حامل دانشی که سرکوب شده، روایتی که به سکوت واداشته‌اند، و مقاومتی که اغلب بی‌نام مانده است. او با بازخوانی اسطوره و تاریخ، زن را از موجودی منفعل به کنشگر پویا برمی‌کشد؛ انسانی که می‌بیند، می‌پرسد، انتخاب می‌کند و هزینه می‌دهد.

در باشو، غریبه‌ی کوچک (۱۳۶۴)، که بسیاری آن را برترین فیلم تاریخ سینمای ایران می‌دانند– این نقش یگانه به روشن‌ترین و زمینی‌ترین صورت خود می‌رسد. نایی (با بازی سوسن تسلیمی) نه اسطوره‌ای دوردست یا قهرمانی خالیان، که زنی برخاسته از متن زندگی و در حاشیه‌ی جغرافیای قدرت است. او در برابر جنگی که از مرکز می‌آید و ویرانی‌اش به پیرامون فرو می‌ریزد، سیاستی دیگر را پیش می‌نهد: سیاست زیستن، نگهداشتن، و پیوند زدن. نایی با پذیرفتن باشو (کودک جنگ‌زده‌ی جنوبی)، نه‌فقط کودکی بی‌خانمان، که «دیگری» را به خانه می‌آورد؛ دیگری قومی، زبانی، نژادی و تاریخی. نایی و باشو زبان یک‌دیگر را نمی‌فهمند، اما یک‌دیگر را می‌شنوند و از هم‌نشوی به هم‌زیستی – که نقطه‌ی کمال روابط انسانی است– پُل می‌زنند. در اینجا زن حافظ امکان ارتباط است، وقتی که زبان رسمی فروپاشیده و جنگ زندگی را به بُن‌پست کشانده است.

صدای سیمره

روغن کم‌یاب شد!

یک شهروند خرم‌آبادی: صبح امروز، پنج‌م‌ ماه، برای تهیه روغن مایع به چند فروشگاه، از جمله فروشگاه‌های زنجیره‌ای، مراجعه کردم اما قفسه‌های روغن کاملاً خالی بود. از فروشند‌ها که پرسیدم «روغن ندارید؟» پاسخ‌شان فقط یک «نه» کوتاه بود.

در نهایت فروشگاه‌ای را پیدا کردم که تعداد محدودی روغن داشت. چهار عدد برداشتم اما صندوق‌دار اجازه نداد و گفت: «شرمند، محدودیت داریم؛ به هر نفر بیش‌تر از دو عدد نمی‌دهیم، روغن نیست.»

حال اگر قرار است با چنین ترندهایی قیمت روغن را هم مثل لبنیات، که قیمت‌هایش سرر به فلک کشیده و تقریباً هر روز افزایش می‌یابد، بالا ببرند، بفرمایند و این‌ کار را انجام دهند! مردم که به هر شرایطی عادت داده شده‌اند. بنزین گران شد، آیا کسی اعتراض جدی کرد؟ قیمت همه‌چیز روزانه بالا می‌رود، مگر صدایی از کسی بلند می‌شود؟ واقعاً این پرسش مطرح است که آیا در این کشور چیزی به نام دولت و نظارت وجود دارد؟ یا وضعیت به «هر کی، هر کی» رسیده است؟

اقتصاد دیجیتال ابزار کارآمدی برای کاهش نرخ مهاجرت لرستان است



استاندار لرستان بر ضرورت حرکت سریع استان به سمت اقتصاد دیجیتال و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در همه‌ی حوزه‌ها تأکید کرد و آن را فرصت استثنایی برای ایجاد اشتغال و جلوگیری از مهاجرت نخبگان دانست. سید سعید شاهرخی روز شنبه(ششم دی‌ماه) در نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی با اشاره به اهمیت نقش فناوری اطلاعات در زندگی بشر، گفت: «نادیده گرفتن این حوزه، استان را از مسیر توسعه و زندگی مدرن عقب می‌اندازد بنابراین سرمایه‌گذاری جدی در اقتصاد دیجیتال ضروری است.» وی افزود: «مسیر توسعه فناوری با شتاب در کشور دنبال می‌شود و امروز با حمایت کارشناسان و متخصصان، فرصت‌های استثنایی برای استان ایجاد شده است که باید از آن بهره برد.»

وی با اشاره به گزارش ارائه شده در حوزه فناوری اطلاعات گفت: «این گزارش‌دهنده اهمیت



مدیر مخابرات منطقه لرستان گفت: «حدود ۱۳ هزار مشترک اینترنت استان به طور کامل به شبکه فیبر نوری متصل شده‌اند و برنامه بعدی مخابرات، توسعه این طرح در شهر بروجرد، سپس الیگودرز و دیگر شهرستان‌های استان است.»

نبی‌الله شمسعی‌فر روز شنبه(ششم دی‌ماه) در نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی افزود: «با اجرای این پروژه، تمامی مشترکان تلفن ثابت بدون هیچ تغییری در

توجه به اقتصاد دیجیتال است و فرآیندهای سنتی اداری و خدماتی در همه بخش‌ها باید به سمت فناوری‌های نوین حرکت کنند.» استاندار لرستان هم‌چنین بر آموزش و فرهنگ‌سازی در این حوزه تأکید کرد و با اشاره به وجود گروه‌های توانمند یارانه و فناوری اطلاعات در دانشگاه لرستان افزود: «توجه و حمایت مدیران از متخصصان و جوانان خلاق استان، می‌تواند از مهاجرت نخبگان جلوگیری کند و زمینه فعالیت آن‌ها در استان را فراهم سازد.»

شاهرخی با بیان این‌که نخبگان می‌توانند در توسعه اقتصادی و دیجیتال استان نقش‌آفرینی کنند از حمایت‌های شورای برنامه‌ریزی استان و اختصاص منابع ویژه اعتباری برای پروژه‌های دیجیتال خبر داد و اظهار داشت: این منابع باید در استان و برای بهره‌برداری متخصصان داخلی به‌کار گرفته شود.»

شاهرخی ادامه داد: «ارزش افزوده و اثرگذاری فعالیت‌های دیجیتال در توسعه اقتصادی فوق‌العاده است و این مسیر باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های استان قرار گیرد.»

وی بر ضرورت باور مدیران به توانایی جوانان، حمایت از مراکز علمی و دانشگاهی و بخش خصوصی فعال در حوزه‌ی فناوری تأکید کرد و گفت: «این رویکرد می‌تواند موجب فرصت‌آفرینی و جلوگیری از مهاجرت نخبگان استان شود.»

۱۳ هزار مشترک مخابرات لرستان به فیبر نوری متصل هستند

شماره‌های قبلی خود، خدمات تلفن و اینترنت را بر بستر فیبر نوری دریافت خواهند کرد که این اقدام هم‌زمان امکان استفاده از خدمات پرسرعت باند پهن را نیز فراهم می‌کند.»

وی گفت: «اجرای طرح فیبر نوری در شهر خرم‌آباد نیز با هدف پوشش حدود ۱۱۰ هزار تلفن ثابت و با پیش‌بینی سرمایه‌گذاری بیش از سه همت آغاز و تاکنون ۴۵ درصد از زیرساخت‌ها و امکانات مورد نیاز این پروژه فراهم شده است.» شمسعی‌فر یکی از اهداف مهم این طرح را صرفه‌جویی در مصرف برق عنوان کرد و ادامه داد: «مراکز مخابراتی از پرمصرف‌ترین مراکز انرژی هستند و با حذف مراکز تلفن ثابت در خرم‌آباد پیش‌بینی می‌شود حدود پنج مگاوات در مصرف برق صرفه‌جویی شود.»

وی افزود: «در خرم‌آباد سه مرکز پرظرفیت مخابراتی وجود دارد که با اجرای کامل پروژه، امکان حذف آنها و انتقال کامل شبکه به فیبر نوری فراهم می‌شود.»

خبر

شهردار خرم‌آباد، با اشاره به آغاز طرح ۱۰۰ روزه مدیریت شهری گفت: «این طرح از ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س) آغاز شده و تا عید نوروز و هم‌زمان با عید سعید فطر ادامه دارد.» داریوش بارانی‌بیرونوند، افزود: «بر اساس این طرح، هر هفته یک پروژه شهری در نقاط مختلف شهر به بهره‌برداری می‌رسد تا خدمات ملموس و اثرگذار مدیریت شهری برای شهروندان قابل مشاهده باشد.»

وی با اشاره به محدودیت‌های مالی و نابرابری در توزیع اعتبارات ملی و ارزش افزوده، تصریح کرد: «با وجود قرار گرفتن استان لرستان در رده‌های پایین تخصیص منابع، اداره‌ی شهر با اتکا به مشارکت مردم، هم‌دلی شورای اسلامی شهر و

خبر

رئیس دانشگاه علوم پزشکی لرستان با بیان این‌که اجازه نمی‌دهم علوم پزشکی خیاط‌خلوت هیچ جریان سیاسی، فرد یا گروه خاصی باشد، تأکید کرد: ««شرافت کاری» و «استقلال» دانشگاه خط‌قرمز من است.»

به گزارش خبرنگار مهر، جلال‌الدین امیری روز شنبه(ششم دی‌ماه) در شورای معاونین دانشگاه علوم پزشکی لرستان در سخنانی با اشاره به وجود مشکلات اقتصادی در کل کشور، اظهار داشت: «باین‌وجود باید پاسخ‌گوی مطالبات باشیم، مطالبات به حقی وجود دارد که باید مورد رسیدگی و پیگیری قرار بگیرند.»

علوم پزشکی لرستان با کوهی از مطالبات مواجه است

وی با اشاره به برخی مشکلات و محدودیت‌های مالی در حوزه بهداشت و درمان لرستان، عنوان کرد: «این باعث شده که همه دانشگاه‌های علوم پزشکی در سطح کشور با ناترازی مالی مواجه شوند.»

رئیس دانشگاه علوم پزشکی لرستان با تأکید بر این‌که متأسفانه دانشگاه علوم پزشکی لرستان با کوهی از مطالبات مواجه است، گفت: «با درآمد اختصاصی بیمارستان‌ها و مراکز بهداشت که خیلی درآمد اندکی هست، نمی‌شود امیودار بود که به‌راحتی از عهده این مطالبات برآمد.»

خبر و گزارش

بیش از ۶ هزار تن گوشت مرغ در لرستان عرضه شد



رئیس سازمان جهاد کشاورزی لرستان گفت: «بیش از شش هزار تن گوشت مرغ در این استان طی آذرماه عرضه شد.»

نامدار صیادی، اظهار داشت: «برای تأمین نیاز بازار مصرف و تنظیم عرضه گوشت مرغ در لرستان، سازمان جهاد کشاورزی استان طی آذرماه با اجرای برنامه‌های تولید و توزیع گسترده، توانست بخش مهمی از نیاز روزانه مردم را برطرف کند.»

وی گفت: «در آذرماه امسال با ارسال سه‌هزار و ۲۵۷ قطعه مرغ پایان دوره به کشتارگاه‌های مرغ استان، میزان شش هزار و ۶۷ تن گوشت مرغ کشتار شده آماده طبخ تولید و روانه بازار مصرف شد.»

رئیس سازمان جهاد کشاورزی لرستان، افزود: «میانگین توزیع گوشت مرغ در این ماه ۲۲۳ تن به‌صورت روزانه در ۲۶ روز کاری بوده است که این میزان نقش مهمی در تأمین نیاز شهروندان و تنظیم بازار ایفا کرده است.»

صیادی با اشاره به اهمیت این تولیدات، گفت: «تولید و عرضه پایدار گوشت مرغ نه‌تنها موجب آرامش بازار و جلوگیری از نوسانات قیمت می‌شود، بلکه امنیت غذایی خانوارها را نیز تضمین می‌کند.»

وی تصریح کرد: «این حجم از تولید، نتیجه همکاری نزدیک مرغداران استان، نظارت‌های مستمر و حمایت‌های سازمان جهاد کشاورزی بوده است.»

رئیس سازمان جهاد کشاورزی لرستان، افزود: «برنامه‌ریزی برای ماه‌های آینده نیز ادامه دارد تا روند تأمین گوشت مرغ بدون وقفه و باکیفیت مطلوب در بازار تداوم یابد.»

تثبیت بیش از ۷۰۰۰ هکتار اراضی غیرملی در کمسیون رفع تداخلات لرستان

مدیر امور اراضی استان لرستان از تثبیت بیش از هفت هزار و ۷۰۰ هکتار اراضی به‌عنوان غیرملی در کمسیون رفع تداخلات استان خبر داد.

علی کردعلیوند روز شنبه(ششم دی‌ماه) در کمیسیون رفع تداخلات لرستان با اشاره به اهمیت رفع تداخلات اراضی، اظهار داشت: «رفع تداخلات یکی از موضوعات اساسی در مدیریت منابع زمین و اراضی کشور است که در استان لرستان به‌صورت ویژه در دستور کار قرار دارد.»

رفع تداخلات؛ تضمین حقوق مردم و کشاورزان وی افزود: «این فرایند نه‌تنها موجب حفظ حقوق مالکانه مردم و کشاورزان می‌شود، بلکه از بروز اختلافات حقوقی، دعوای قضایی و تصرفات غیرمجاز نیز جلوگیری می‌کند و امنیت خاطر

ساماندهی دست‌فروشان با رویکرد قانونی و حمایتی دنبال می‌شود

مرکزی شهر در دستور کار قرار می‌گیرد.» وی افزود: «چون تردد در مرکز شهر برای خانواده‌ها و شهروندان با مشکلاتی همراه است، ضرورت داشت ساماندهی دست‌فروشان به‌صورت جدی پی‌گیری شود که انجام خواهد شد.»

شهردار خرم‌آباد بیان کرد: «مدیریت شهری وظیفه دارد با اقدامات ملموس و تولید مستمر اخبار امیدبخش، اعتماد و امید اجتماعی را تقویت کند تا شهروندان همواره نتایج خدمات شهری را لمس کنند.

✽سرچشمه: روابط عمومی شهرداری خرم‌آباد

علوم پزشکی لرستان حیاط خلوت هیچ جریان سیاسی و فرد خاصی نیست



این‌که در حوزه‌ی زیرساخت سلامت، ما وضعیت بسیار بدی داریم، گفت: «هدیریت دانشگاه تا قبل از تاریخ ۲۶ اسفندماه سال گذشته که بنده در این حوزه مشغول به کار شده‌ام، قطاری بوده که از مسیر خودش خارج شده است، اگر حرکتی هم داشته به سمت دوشرین از ریل بوده است.»

امیری، گفت: «سال ۸۲ که از این دانشگاه رفتم، وقتی برگشتم اوضاع و امور را خیلی بدتر از سال ۸۲ دیدم، در‌صورتی‌که در علوم پزشکی همدان که بنده خدمت می‌کردم، به لحاظ ساختمانی، آموزش پزشکی و... اصلاً قابل‌مقایسه با سال ۸۲ نیست، لرستان نسبت به استان‌های هم تراز خود به‌شدت در حوزه سلامت دچار عقب‌ماندگی شده است.»

وی با بیان این‌که این شرایط را از این نظر ترسیم می‌کنم که مشکلات در این حوزه فراوان است، گفت: «شرافت کاری» یکی از خطوط قرمز بنده در علوم پزشکی لرستان است، در مجموعه سلامت وظیفه‌ی بسیار خطیری بر عهده داریم، قابل‌مقایسه با هیچ حوزه دیگری نیست.»

رئیس دانشگاه علوم پزشکی لرستان در ادامه سخنان خود با تأکید بر این‌که این حوزه نباید وارد جریان‌های سیاسی و خارج از اولویت حوزه سلامت شود، گفت: «حرف اول و آخر ما در حوزه سلامت و خدمات‌رسانی در این حوزه است و «شرافت کاری و حرفه‌ای» خود را با هیچ چیز دیگری عوض نمی‌کنیم.»

امیری با تأکید بر این‌که دانشگاه به‌عنوان یک محیط دانشگاهی باید مجموعه‌ای مستقل باشد استقلال دانشگاه خط‌قرمز من است، یک دقیقه روی این صندلی نمی‌مانم اگر ببینم کیان دانشگاه مورد هجومه قرار داده شود، گفت: «توقع نگاه برخی این است که دانشگاه علوم پزشکی حیاط‌خلوت برخی از دوستان شود، بنده تا اینجا هستم اجازه نمی‌دهم دانشگاه حیاط‌خلوت هیچ جریان سیاسی، شخص یا گروهی باشد، این مجموعه، یک مجموعه تولید فکر است.»

✽متن کامل و ادامه‌ی این خبر در تارنمای آوای سیمره:

https://avayeseymare.ir

یادداشت

مستندنگاری ماجراهای من و سیاست



علی گودرزبان

فصل سوم/ بخش ۱۵/انتخابات مجلس هفتم خرم‌آباد(۶)

با رد صلاحیت گلادیاتورهای سیاسی، برخی از نامزدها نمود بیش‌تری پیدا کرده‌اند و در این میان نام و نشان برخی از نامزدها سر زبان مردم است. حسن‌وند و نظری و ایمانی و فردی بیرانوند گوی سبقت از دیگران روده‌اند.

هواداران ملک‌آسا تا روزهای آخر تبلیغات چشم به راه «حاج کریم»‌اند و به راستی تا هنوز به دیگران دل ندهاند.

انتخابات روز جمعه یکم اسفندماه ۸۲ برگزار شد و اما نتیجه در پیچ‌پیچ شمارش آرا و اختلاف بین وزارت کشور و شورای نگهبان در هاله‌ای از ابهام اعلام نشده است.

شورای نگهبان آماری دارد که فتح‌الله حسن‌وند برنده‌ی انتخابات شده‌است و نظری و ایمانی به دور دوم افتاده‌اند! اما وزارت کشور و از جمله محمد بهاروند فرماندار شهر خرم‌آباد باور دارد که هرجاچه تن یعنی حسن‌وند نظری، ایمانی و فردی بیرانوند به دور دوم انتخابات رفته‌اند.

این اختلاف نظر باید حل شود و شورای نگهبان سه روز فرصت خواسته تا سرچشمه‌ی اختلاف رای را روشن نماید...

سه روز اعضای محترم شورای نگهبان لیست‌های صورت جلسات شمارش آرای صندوق‌ها را تطبیق کردند. کار بسیار سختی است اما انجام شد نتیجه روی صندوق شماره ۳۰ بخش مرکزی و بخش شهری بود.

هم بخش مرکزی و هم بخش شهری صندوق شماره ۳۰ داشتند. آرای فتح‌الله حسن‌وند در صندوق شماره ۳۰ بخش مرکزی روستای کاکاشرف ۴ تا ۹ رای بود و نماینده‌ی فرماندار که صندوق در ید قدرت اوست، هنگام تحویل صورت جلسه به اشتباه می‌نویسند: صندوق ۳۰ بخش مرکزی» و دیگر صورت‌جلسه صندوق ۳۰ بخش شهری خوانده نمی‌شود در حالی که فتح‌الله حسن‌وند در صندوق ۲۰ بخش شهری دبیرستان فجر ۲۸۹ رای داشته است و با این حال ۴۸۰ رای به آرای حسنوند افزوده شد و راهی می‌شوند اما جامعه و مردم به خاطر خاطرات ناخوشایندی که از دلوآن انتخابات دارند، پیش‌داوری‌های خاص خود را همیشه روی میز دارند.

دلیل این پیش‌داوری‌ها هم به پیشنهادی کار کرد و هم به نبود سیستم خیررسانی سالم بر می‌گردد. داده‌ها به شکل روشن به آگاهی مردم و رسانه‌ها نمی‌رسد. در نبود آگاهی و خبرهای اطمینان بخش، طبیعی است دامن شایعه سازی گسترده شود!

نظارتی‌ها و وزارتی‌ها هم، چون از دو سلیقه‌ی سیاسی هستند، هم‌دیگر را به نوعی سوگیری متهم می‌کنند. فرمانداری (وزارت‌ها) می‌گوید شورای نگهبان (نظارتی‌ها) به دنبال دو قطبی ساختن مردم با ملات اصولگرایی است و شورای نگهبان هم می‌گوید فرمانداری به دنبال گنج‌آیند هم‌فکر خودشان نفر چهارم (فردی بیرانوند) در میدان مبارزه است.

سر آخر نتیجه قطعی انتخابات اعلام شد. نزدیک ۱۹۹ هزار تن از مردم حوزه‌ی خرم‌آباد و بخش‌های حاشیه، پای ۲۸۹ صندوق اخذ رای رفتند. بر همین اساس فتح‌الله حسن‌وند با کسب نزدیک ۵۰ هزار رای برنده‌ی قطعی انتخابات شد و به مجلس رفت.

فرهاد نظری با نزدیک ۲۲ هزار رای و قدرت‌الله ایمانی با نزدیک ۳۵ هزار رای به دور دوم انتخابات افتادند و در این میان نورمحمد فردی بیرانوند از گرونده‌ی مبارزات انتخاباتی کنار رفت.

از فردای پس از اعلام نتیجه دولت نظری و ایمانی آغاز شد. این دولت، رویارویی دو طیف اصولگرا بود. به نوعی رویارویی سادات طاهری یعنی سید مرتضی طاهری با سید محمدصالح طاهری هم بود. رویارویی شورای نظارت با حزب موتلفه، رویارویی قدرت ایمانی و دوستاش با محمدرضا ملکشاهی راد و دوستاش هم بود.

داستان پیچیده ایست در آینده یعنی در انتخابات دور دوم مجلس هفتم که ا‌ری‌به‌هشت ماه ۱۳۸۳ برگزار خواهد شد به شکل گسترده به آن خواهیم پرداخت. پس از شمارش آرا، ناظران و مجریان انتخابات با پدیده‌ی آرای باطله‌ی غیرمتعارف روبه‌رو شدند. در آخرین ساعات مانده به تبلیغات، هوداران حاج کریم که رد صلاحیت او را باور نکرده و تا آخر چشم انتظار حضور او بودند، شبانه‌های منتشر کردند مبنی بر این که ملک‌آسا تأیید صلاحیت شده است.

این شب‌نامه که به دنبال خودش شایعه‌ی گسترده‌ای ایجاد کرد، باعث شد که بسیاری از دوست‌داران حاج کریم، نام ایشان را در برگه‌های رای بنویسند و برای همین آرای باطله در انتخابات را دو چندان کنند.

به گفته‌ی ناظران شورای نگهبان در انتخابات مجلس هفتم خرم‌آباد بیش از ۷ هزار تن به کریم ملک‌آسا رای دادند یعنی در همان انتخابات بیش از ۷ هزار آرای باطله ثبت شد. در روایتی دیگر هوداران ملک‌آسا در یک توافق قرار بر این گذاشته بودند

ادامه در صفحه‌ی ۳

یادداشت

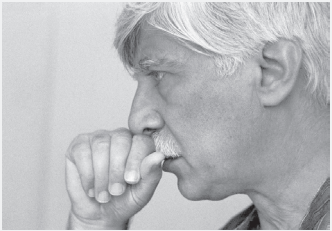
بهرام بیضایی؛ روایت ایران فرهنگی



محسن تیزهوش

بهرام بیضایی را نمی‌توان صرفاً در جایگاه یک نمایش‌نامه‌نویس یا فیلم‌ساز صورت‌بندی کرد. او از تبار ادیبان بود؛ ادیب‌زاده‌ای که نستیش با جهان، پیش و بیش از هر چیز، نسبتی فرهنگی بود. برای بیضایی، فرهنگ حوزه‌ای مستقل یا تربینی نبود، بلکه بنیانی بود که همه‌چیز – تاریخ، سیاست، اسطوره، زبان و هنر – در نسبت با آن معنا می‌یافت. از این‌رو، اندیشه و آثار او را باید در امتداد سنت فرهنگی ایران خواند، نه در چارچوب‌های محدود حرفه‌ای یا هنری.

نگاه بیضایی به ایران، نگاهی تاریخی و متنی بود. او ایران را نه یک واقعیت صرفاً جغرافیایی، بلکه پدیده‌ای فرهنگی می‌دانست که در زبان و روایت استمرار یافته است. در این معنا، آن‌چه ایران را در طول قرن‌ها نگاه داشته، نه قدرت سیاسی، بلکه پیوستگی اندیشه و حافظه‌ی روایی بوده است. تأکید مداوم او بر فردوسی، شاهنامه و اسطوره‌های ایرانی، از همین درک نشئت می‌گیرد؛ فردوسی برای بیضایی، نمونه‌ی روشن مقاومت فرهنگی است، کسی که با زبان، امکان تلاوم تاریخ را فراهم کرد. او عاشق ایران بود و با اینکه سال‌ها پیش را از سرزمین مادری بُرپندد اما وطن از قلب و قلم بیضایی بیرون رفت.



ادیب‌زاده بودن بیضایی، او را به دقتی ساختاری در مواجهه با متن رسانده بود. او به واژه، حذف، سکوت و جابه‌جایی روایت حساس بود و به‌خوبی آگاه بود که هر انتخاب زبانی، حامل معنایی تاریخی است. به همین دلیل، آثار او ساده‌سازی نمی‌کند و مخاطب را به مصرف سریع فرا نمی‌خوانند. خواننده یا تماشاگر در برابر کار بیضایی، ناچار به مشارکت فکری است؛ و همین‌جاست که هنر به کنشی فرهنگی بدل می‌شود.

در آثار نمایشی و پژوهشی بیضایی، اسطوره نه امر مقدس دست‌نخورده، بلکه موضوع تحلیل و بازخوانی است. او اسطوره‌ها را به صحنه می‌آورد تا ساوکار آن‌ها را آشکار کند و نسبت‌شان را با اکنون بسنجد. قهرمانان او اغلب در وضعیت تعلیق و پرسش قرار دارند؛ تصویری که با تجربه‌ی تاریخی ایران هم‌خوان است. از این منظر، ادبیات نمایشی بیضایی، ادامه‌ی همان تلاشی است که در سنت ادبی ایران برای حفظ حافظه و معنا صورت گرفته است. در فیلم‌نامه‌ی ساخته‌نشده‌ی «اشغال» این نگاه به شکلی عریان و دردناک بیان می‌شود؛ جایی که شخصیت اصلی – زنی در مرکز روایت – می‌گوید: «من جسد شوهر را ندیدم؛ نه، من جسد وطن را دیدم». این دیالوگ، نه صرفاً یک جمله‌ی دراماتیک، بلکه عصاره‌ی فهم تاریخی بیضایی است. زنان در آثار او همواره در مرکز ایستاده‌اند؛ زنانی با فهم و شعوری ایرانی، که بندبند وجود نویسنده را فریاد می‌زنند. این‌که برای زنده‌ماندن فرهنگ ایران، باید ایستاد و مالیات داد.

بیضایی بر این باور بود که ما نه با آن‌چه از دست می‌دهیم، بلکه با آن‌چه می‌سازیم، ایرانی می‌مانیم. ایران برای او امری ایستا یا زدنست‌رفته نبود، بلکه پروژه‌ای فرهنگی بود که تنها از راه ساختن، نوشتن و ایستادگی تلاوم می‌یابد. از همین‌رو، امروز نیز راه بیضایی، ایستادن بر ساختن و تلاوم ایران فرهنگی است؛ ایستادگی تا پای جان، چراکه این فرهنگ، چون سرو، با ایستادن معنا می‌یابد.

اکنون که جسم بیضایی از دست رفته است، سخن گفتن از فقدان او تنها زمانی معنا دارد که به‌جای احساسات، به امتداد نگاه او توجه شود. بیضایی در تاریخ ایران حل نمی‌شود؛ او در آن امتداد می‌یابد. نگاه و قلم او هم‌چنان در میان اهل فرهنگ این سرزمین جاری است، نه به‌صورت تقلید، بلکه به‌مثابه روشی برای فهم فرهنگ؛ این اصل بنیادین که همه‌چیز، در نهایت، به فرهنگ بازمی‌گردد و بدون درک آن، هیچ پدیده‌ای به‌درستی فهم نمی‌شود.

ادامه از صفحه‌ی ۲

مستندنگاری

ماجراهای من و سیاست

که در صورت تأیید نشدن ملک آسب به دکتر ابراهیم پور رای بدهند. به نظر می‌رسد انتشار این شب‌نامه و ایجاد اختلال در روند تصمیم‌گیری دوست‌داران کریم ملک‌آسب از طرف کسانی بود که موفقیت دکتر ابراهیم پوریم را نمی‌خواستند در حقیقت مخالفان دکتر ابراهیم پور در یک اقدام شیطن‌آمیز توانستند درصد موفقیت دکتر را پایین بیاورند.
ادامه دارد

بررسی‌ها نشان می‌دهد در یک بازه زمانی یک دهه‌ای استان لرستان رکورددار بیش‌ترین شاخص فلاکت در میان استان‌های کشور بوده‌است. در بررسی ۱۲ ساله شاخص فلاکت از ابتدای دهه‌ی ۹۰ تا پایان سال گذشته استان‌های لرستان، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، و یزد بیش‌ترین نرخ فلاکت را تجربه کرده‌اند.

بر اساس آمارهای رسمی استخراج شده‌ی مرکز آمار، لرستان طی یک دهه‌ی اخیر با چهار رکورد فقر و فلاکت در صدر فلاکت ایران قرار داشته است و در حال حاضر نیز وضعیت این استان به‌رغم تلاش‌های مدیران استانی در نشان دادن وضعیت بهبود یافته‌ی بازار کار، وضعیتی اوزرآnsی و ناخوش است.

مدیران استان لرستان اعتقاد دارند نرخ بی‌کاری را بر اساس آخرین ارزیابی‌های مرکز آمار ایران در پایان تابستان ۱۴۰۴ به ۷/۳ درصد رسانده و این آمار ادعایی حاکی از روند نزولی نرخ بی‌کاری در لرستان است؛ به‌طوری‌که این نرخ در بهار ۱۴۰۴ معادل ۸.۲ درصد ثبت شده بود که در تابستان به ۷/۳ درصد کاهش یافته است.

نرخ بی‌کاری لرستان در تابستان سال گذشته، ۱۱/۱ درصد بوده است یعنی نرخ بی‌کاری استان نسبت به سال قبل نزدیک به ۴ درصد کاهش پیدا کرده و در استان اشتغال بیش‌تری ایجاد شده است. هر چند با تکیه بر آمارسازی‌ها بر پایه آموزش‌های رسمی فنی و حرفه‌ای و تسهیلات اعطایی یک‌صد تا یک‌صد و ۵۰ میلیونی در بنیادها و نهادهای حمایتی نظیر کمیته امداد و بهزیستی و فنی و حرفه‌ای که به تناسب تورم بالای فعلی هیچ اشتغال پایداری را نمی‌توانند ایجاد کنند و صرفاً بی‌کاران لرستان را به بی‌بی‌کاران پدیده‌کار تبدیل کرده‌اند اما لرستان با اتکا به همین آمار رسمی و به نظر ساختگی نیز وضعیت خوبی ندارد.

وام‌های عمدتاً بی‌نظارت نهادها و بنیادهای حمایتی و تسهیلات فنی و حرفه‌ای را مدیران استانی در سامانه‌های اشتغال با درج کنه‌ای ملی جست‌وجویان بازار کار یا همان بی‌کاران استان به‌عنوان شغل ثبت کرده‌اند و بر همین اساس ادعا می‌شود بی‌کاری لرستان، تکررقمی و پایین و کاهشی است، واقعیت اما این است که پرداخت وام محادل اشتغال‌زایی با واقعیات میدانی سازگار نیست زیرا نرخ بالای تورم در آذر ماه امسال که ۴۵ درصد است به‌خوبی وضعیت استان را به تصویر می‌کشد و در استانی که ادعا می‌شود نرخ بی‌کاری آن ۷/۳ درصد است نباید تورم و بیکاری این‌گونه خانوارهای لرستانی را درگیر معیشت کند.

چون کاهش شاخص فلاکت، نشان‌دهنده‌ی بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی هر استانی است، این کاهش معمولاً باید با کاهش نرخ بی‌کاری و تثبیت یا کاهش نرخ تورم همراه شود که به معنای ایجاد فرصت‌های شغلی بیش‌تر و افزایش قدرت

خرید مردم خواهد بود و از این رو اگر ادعا می‌شود نرخ بی‌کاری کاهش یافته باید این نرخ بر اساس واقعیت‌ها به کاهش شاخص واقعی فلاکت منجر و بهبود وضعیت رفاه مردم و ارتقای کیفیت زندگی در جامعه را به همراه داشته باشد.

بر اساس آمارهای رسمی «شاخص فلاکت» کل کشور در تابستان ۱۴۰۴ حدود ۵۴.۸ درصد برآورد شده است. مدیران لرستانی ادعا دارند نرخ بی‌کاری لرستان در پایان تابستان ۷/۳ بوده و وضعیت تورم سالیانه نیز در پایان شهریور بر اساس آمارهای رسمی مرکز آمار ۲۷/۹ بوده که نرخ فلاکت در این استان ۴۶/۱ بوده است.

هنوز از آمارهای رسمی در خصوص نرخ بیکاری خبری در دست نیست اما بر اساس جدید ترین گزارشات مرکز آمار ایران تورم نقطه به نقطه خانوارهای لرستان که در آبان ماه ۴۲/۶ درصد بوده در آذرماه به ۴۵درصد رسیده است که نسبت به ماه قبل افزایش ۲/۴درصدی را نشان می دهد و دقیقاً نشان می‌دهد گرانی و تورم چه وضعیت سختی را در این استان ایجاد کرده است.

بیش‌ترین میزان شاخص فلاکت طی یک دهه‌ی اخیر در استان‌های زاگرس‌ی رقم خورده و بررسی‌ها حاکی از آن است که در هفت استان شاخص فلاکت بالاتر از میانگین کشوری است و لرستان همواره در زمره‌ی این استان‌ها بوده و متأسفانه بخش عمده‌ای از این استان‌های فلاکت‌زده را زاگرس‌ها تشکیل می‌دهند.

چون شاخص فلاکت نرخ‌ی است که از مجموع نرخ بی‌کاری و نرخ تورم حاصل می‌شود، این شاخص ارتباط مستقیمی با رفاه مردم دارد. بر این اساس هرچه میزان شاخص فلاکت بیش‌تر باشد، به معنای بالاتر بودن معضلات اجتماعی در کنار بی‌کاری و تورم و فقر است و از این حیث سالانه یکی از مهم‌ترین پارامترها برای ارزیابی دولت‌ها به شمار می‌رود که بیانگر عملکرد و میزان موفقیت دولت‌ها در فراهم آوردن رفاه اجتماعی است.

گزارش

آمارهای رسمی با واقعیاتِ میدانی در لرستان تفاوت دارد؛

«اقتصادِ لاغر»، «معیشتِ بُخور نمیر!»



محسن تیزهوش

لرستان در پایان سال گذشته در بین پنج استان فلاکت‌زده ایران با نرخ فلاکت ۴۲/۲درصدی قرار داشته که نشان می‌دهد استان در سال گذشته با یک شرایط سخت از حیث رفاه و معیشت مواجه بوده است، بر اساس ارزیابی‌های آماری مرکز آمار اما نرخ بی‌کاری لرستان که البته با واقعیت‌های میدانی سازگاری ندارد، پایین‌ترین نشان داده شده و بر این اساس نرخ فلاکت در پایان تابستان ۱۴۰۴ بیش از ۴۶ درصد بوده که می‌توانست بر اساس واقعیات جامعه لرستان، نرخ واقعی از ۵۰ درصد نیز عبور کند و بدین ترتیب لرستان را یک‌بار دیگر صدرنشین فلاکت ایران کند اما به مدد آمارهای رسمی استخراج‌ی از ثبت کنده‌ای ملی وام‌گیرندگان بی‌کار استان، این شاخص واقعی نشان داده نشده است.

اشتغال‌زایی و بهبود وضعیت بازار کار، برون‌داد فعالیت‌های حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله فعال‌سازی واحدهای راکد، آغاز طرح‌های عمرانی، مشارکت حداکثری سیستم پولی، مالی و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی و افراد کارآفرین است، در استانی مثل لرستان تردینی وجود ندارد که موانع بانکی یکی از دلایل اصلی عدم دست‌یابی به موفقیت در حوزه‌ی اشتغال‌زایی است و علاوه بر این عدم عمومی‌شن آموزش در بین بی‌کاران فارغ‌التحصیل یکی دیگر از چالش‌های اصلی اشتغال لرستان سایر استان‌های فقیر و مغفوک ایران به شمار می‌رود و باید و شاید به گردش درنی‌آید و حتا کار به جایی رسیدم‌است که در استانی مانند لرستان سپرده‌های مردم ممکن به جای سرمایه‌گذاری در این استان در استان‌های دیگر به کمک اقتصاد آن‌ها می‌شتابد.

افزایش اشتغال و کاهش بی‌کاری، به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی ارزیابی می‌شود، نرخ بی‌کاری یکی از شاخص‌های ارزیابی شرایط اقتصادی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد و لذا بر این اساس در استان‌های زاگرس‌نشین نظیر لرستان نه تنها حال و روز در این زمینه خوش نیست بلکه



عباس دارابی

با وجود ادعاهایی که می‌شود علاوه بر ضعف‌های ساختاری در حوزه‌ی سیاست‌گذاری‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی با مشکل موانع بانکی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه‌گذاری این استان‌ها مواجه‌اند که اجازه نمی‌دهد چرخه‌ی اقتصادشان در حوزه‌ی اشتغال به ویژه در بخش فعال شدن صنایع راکد به گردش دربیاید و به جای آن روی تسهیلات ارزان صد میلیونی به‌عنوان اشتغال تمرکز می‌شود و این یک ضعف جدی و تاریخی است.

مقایسه‌ی میزان افزایش هزینه‌های خوراک یک خانواده چهار نفره در سال ۱۴۰۲ و سال ۱۴۰۴ حاکی از این واقعیت تلخ است که بین لیست هزینه‌های سال ۱۴۰۳ و سال ۱۴۰۴ حدود ۶۲/۵٪ هزینه‌های زندگی افزایش یافته اما با این وجود درآمد سرانه لرستانی‌ها نه تنها افزایش نیافته بلکه شرایط در این استان به گونه‌ای است که درآمد سرانه مردم بر اساس آمارهای رسمی نصف میانگین درآمد سرانه کشوری است.

هر استانی که در آمد سرانه‌اش پایین‌تر از متوسط کشوری است مثل استان لرستان، اقلام خوراکی و مصرفی که باید روزانه مصرف شوند در سید مصرفی خانوارها وزن و نقش بیش‌تری دارند. وقتی درآمد سرانه‌ی پایین باشد بیش‌تر درآمدها به سمت تامین اقلام خوراکی و مصرفی سوق پیدا کرده و بدین ترتیب در لرستان تورم شکل واقعی‌تری دارد زیرا مردم بی‌کار لرستان توان درآمدی بالایی ندارند و در نتیجه بسیار واضح است که آمارهای ارائه شده در خصوص اشتغال و بهبود معیشت مردم واقعی نیست.

در آمد سرانه پایین منجر به تامین کالاها و اقلام مصرفی می‌شود و در نتیجه هزینه‌ی بیش‌تری صرف تامین این اقلام شده و تقاضا بالاتر می‌رود و همین موضوع بین عرضه و تقاضا رابطه‌ای متوازن بر قرار نمی‌کند و وضع موجودی ایجاد می‌شود که خود را قالب نرخ فلاکت بالا نشان می‌دهد، حتا اگر در آمارهای بی‌کاری به شکل صوری دست زده شود.

بی‌کاری، اقتصاد استان‌های زاگرس‌نشین به‌ویژه لرستان را تحت‌شعاع قرار داده و به‌طور نظام‌مند، بی‌کاری فزاینده و توسعه‌نیافتگی مفرط منجر به پایین آمدن سطح زندگی و معیشت مردم شده و درآمدهای سرانه‌ای در پایین‌ترین سطح خود در این استان قرار دارد، در چنین شرایطی خألاً سرمایه‌گذاری‌های عظیم و سرانه‌ی پایین درآمد خود را با نرخ بالایی به نام فلاکت نشان می‌دهد که امروز گرچه خود را در قالب ضعف تولید و سرمایه‌گذاری و «اقتصاد لاغر» و «معیشت بخور نمیری» نشان داده اما در آینده نزدیک این نرخ بالای فلاکت، مردم را به سمت ناهنجاری‌های دیگری هم‌چون اعتیاد، طلاق، بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی سوق می‌دهد و فلک‌زدگی را به بالاترین حد ممکن رسانده و خود را در بدترین شکل ممکن ملموس می‌کند.

ضرورت انسجام نهادی برای توسعه اقتصاد دیجیتال در ایران

رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی لرستان، با تأکید بر لزوم یکپارچه‌سازی سیاست‌ها و نهادهای فعال در حوزه هوش مصنوعی گفت: افزایش سهم ایران از اقتصاد دیجیتال با موازی‌کاری و تعدد ساختارهای تصمیم‌گیر ممکن نیست.

محمد خاکی با اشاره به وجود هم‌زمان «سازمان ملی هوش مصنوعی»، «سنداد هوش مصنوعی صنعتی دولت» و «سند ملی فناوری و هوش مصنوعی» افزود که نبود انسجام نهادی می‌تواند منابع را هدر دهد و بهره‌وری را کاهش دهد.

خاکی تأکید کرد که تحقق منویات رهبر انقلاب درباره هوش مصنوعی مستلزم هم‌افزایی همه نهادها با محوریت بخش خصوصی است و هشدار داد ایجاد سازمان‌های جدید بدون خروجی واقعی، صرفاً به گسترش بدنه دولت منجر می‌شود. وی با اشاره به رشد ۵۰ تا ۷۰ درصدی اقتصاد دیجیتال در جهان و سهم پایین ایران از آن گفت: هوش مصنوعی می‌تواند تا چند سال آینده ۱۹ تریلیون دلار به اقتصاد جهانی اضافه کند، اما ایران برای بهره‌مندی از این ظرفیت نیازمند زیرساخت‌های فنی و هماهنگی نهادی است.

رییس اتاق بازرگانی لرستان از راه‌اندازی مرکز هوشمندسازی و هوش مصنوعی در کسب‌وکارها و اجرای پروژه‌هایی در بخش کشاورزی و صنایع خبر داد. او همچنین به برگزاری همایش‌ها و دوره‌های آموزشی هوش مصنوعی در نیمه دوم سال، از جمله همایش ملی «آموزش، پرورش و فناوری‌های نوین» و رویداد یورس‌بیج برای ارتباط میان شرکت‌های فناوری و صنایع اشاره کرد.

یادداشت



علی جودکی

دکتر جواد صفی‌نژاد، انسان‌شناس و جغرافی‌دان برجسته ایران، در سن ۹۶ سالگی درگذشت. او از پیشگامان مطالعه سبک زندگی و فرهنگ جوامع محلی ایران بود و با پژوهش‌های میدانی دقیق و طولانی‌مدت درباره ایلات، عشایر و نظام‌های سنتی آبیاری و قنات‌ها، سهمی بی‌بدیل در شناخت جامعه و فرهنگ ایرانی بر جای گذاشت. صفی‌نژاد، زاده‌ی ۹ شهریور ۱۳۰۸ در شهرری و از تبار لُر بختیاری، تحصیلات خود را در رشته‌ی تاریخ و جغرافیا در دانشگاه تهران آغاز کرد و به تدریج به یکی از چهره‌های شاخص انسان‌شناسی و جغرافیای انسانی ایران تبدیل شد. ارتباط نزدیک او با جوامع محلی، درک عمیق از فرهنگ‌های بومی و توجه مستمر به زیست و معیشت عشایری و روستایی، پایه و اساس پژوهش‌هایش را شکل داد.



وی با پژوهش‌های میدانی دقیق، طولانی‌مدت و امانت‌دaranه، آثار و پژوهش‌هایی ارائه کرد که هنوز منابع اصلی و ماندگار برای شناخت جامعه‌ی روستایی، ایلات و نظام‌های سنتی تولید در ایران به شمار می‌روند. نگاه او به قنات‌ها فراتر از توصیف فنی، با تاریخی بود و بر پیوند انسان، آب و سرزمین و نقش این نظام‌ها در زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم تأکید داشت.

از جمله آثار برجسته‌ی او می‌توان به «جامعه‌ی تاریخی قوم لر، بر پایه‌ی فرهنگ سنتی»، «مبانی جغرافیای انسانی»، «پیش‌گامان جغرافیا در قلمرو اسلام»، «بررسی درونی جامعه‌ی انسانی شهری از قاجار تا جمهوری اسلامی» و «جهان‌نامه» اشاره کرد. این آثار هنوز مرجع پژوهش‌های میان‌رشته‌ای درباره مردم‌شناسی، جغرافیای فرهنگی و تاریخ جامعه و فرهنگ ایرانی هستند و نقش بنیادینی در توسعه‌ی مطالعات انسانی و اجتماعی کشور دارند. دقت، فروتنی، استقلال رای و احترام عمیق او به فرهنگ مردم، وجه تمایز شخصیت علمی و انسانی دکتر صفی‌نژاد بود. علم برای او نه ابزاری برای شهرت، بلکه مسئولیتی اخلاقی در قبال جامعه محسوب می‌شد. میراث علمی و انسانی دکتر جواد صفی‌نژاد در آثار ماندگار، شاگردان پرشمار و روش پژوهشی مبتنی بر میدانی بودن و احترام به فرهنگ مردم، هم‌چنان زنده است و الگویی پایدار برای نسل‌های آینده به شمار می‌آید.

یاد و نام استاد در میان پژوهشگران جغرافیا، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ایران همواره گرامی و زنده خواهد ماند.

ادامه‌ی سرمقاله

سیمرغ در تبعید

او «باشو»ی جنگ‌زده را با قلیش پذیرفت و در دل ویرانی، وطن و مادر را دوباره معنا کرد.

در روایت او، وطن خاک نیست؛ پناه است، مسئولیت است و تعهدی اخلاقی و تاتی مادر بود در روایت بهرام؛ وطن‌بود که پناهگاه است و ایران بود که زیبا و باشکوه باقی می‌ماند.

بهرام، رستم فرخزاد این روزگار بود؛ این‌بار اما پیروز در نبرد قادسیه‌ای که از داخل و بیرون برای تهی‌کردن فرهنگ این سرزمین از معنا، حافظه و صدا به راه افتاده.

او سرداری از سپاه شجاعان کشورمان بود که با سلاح قلم و عشق، از حریم مقدس مادر پاس‌داری کرد و سرانجام، گردن‌فراز، کالبد دور از وطن‌ش را در غربتی ترک کرد که سال‌ها تنها به جرم «ایران‌خواهی» بر او تحمیل شده بود.

تاریخ نشان داده است که ایستادن ارزان نیست؛ حذف، تبعید و خاموش‌سازی بخشی از این بهای مقاومت است. اما نام بهرام حذف نشد، چون در حافظه ماند و حافظه، آخرین جایی است که قدرت به آن دسترسی ندارد. راهش به سوسی ابدیت روشن باد و دامن مام وطن، از امثال بهرام، هرگز خالی مباد!